

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۵۸۹

جمعه ۱۲ دی ۱۳۹۳، ژانویه ۲۰۱۵

یادداشت‌های هفته

همید تقوایی

دکان پررونق "مبارزه با آلودگی هوا"!

نارضایتی عمومی از نظم سرمایه!

انسانیت سرحد ندارد!

به یاد ریحانه!

صفحه ۹

کارزار "بهنام را آزاد کنید"

سازمان عفو بین الملل سوئد

خواستار آزادی فوری

بهنام ابراهیم زاده شد

صفحه ۱۲

زنده باد اعتراض کارگران

معدن طلای آق دره!

کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ایران

صفحه ۱۱

باید در مقابل تهدید کارفرما

و دولت علیه کارگران ایستاد!

کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ایران

صفحه ۱۱

جنبش اعتراضی کارگری یک عرصه دائمی مبارزه علیه رژیم اسلامی!

نگاهی به موقعیت جنبش کارگری در ایران

مصاحبه با شهلا دانشفر



را در به تحرك درآوردن فضای سیاسی شهرها به نمایش میگذارد.

از سوی دیگر امروز ما شاهد اینیم که رهبران کارگری هر چه بیشتر در قامت رهبران سیاسی کل جامعه دارند جلو می آیند و سخن میگویند. از جمله به مناسبت های سیاسی مختلف بیانیه میدهند، علیه تعرضات رژیم چون اسید پاشی بر روی زنان، اعدامها، و دستگیرها ها بیانیه داده و اعلام انزجار میکنند و غیره. و از نظر من این ها همه نقطه قوت ها و پیشروی های جنبش کارگری است.

جنبه دیگر مساله قطبی شدن بیشتر جامعه و تمایز بیشتر

صفحه ۲

بعد از يك دهه جنبش کارگری دارد وارد فاز جدیدتری میشود و قدم به جلو میگذارد. يك نمونه اش جنبش برای خواستهای سراسری کارگری چون خواست افزایش دستمزد ها است که قدمهای بسیاری به جلو برداشته است. در زمینه تشکیلیهایی کارگری نیز الگوهای خوبی چون پروفیل ساوه و اعلام اینکه کارگران هر ۴۵ روز یکبار جمع میشوند تا مجمع عمومی خود را تشکیل دهند و متشکل باشند، را داریم که برای سازمانیابی در محل راهی عملی در مقابل کارگران میگذارد. قبلا نیز در مراکزی چون صنایع فلزی، کیان تایر، قروه زاگرس، بازنشستگان ذوب آهن، نیشکر هفت تپه این جهتگیری و تلاش را در مبارزات کارگران دیده ایم که بسیار مهم است. بعلاوه اینکه بحث بر سر نفس متشکل شدن در جنبش کارگری داغ شد. در اعتراضات کارگری نیز با نمونه هایی چون بافق یزد روبروئیم که ظرفیت جنبش اعتراضی کارگری

انترناسیونال: در يك نگاه اجمالی می توان دید که مبارزات کارگری در ایران در حال گسترش است و هر روز شاهد بروز اعتراضات جدید در شهرهای مختلف ایران هستیم. در يك نگاه کلی تصویر و ارزیابی شما از جنبش کارگری در شرایط فعلی چیست؟

شهلا دانشفر: به نظر من جنبش کارگری نقطه عطف های مهمی را پشت سر گذاشته است. واقعیت اینست که اواخر دوره خاتمی و سالهای ۸۳ و ۸۴ يك نقطه عطف در سازمانیابی جنبش کارگری را شاهد بودیم که مشخصا با سر بلند کردن تشکلهایی که به همت خود کارگران شکل گرفته بود، خود را نشان میداد. در نتیجه این پیشروی صفی از رهبران کارگری به جلوی صحنه سیاسی جامعه آمدند و ما شاهد تعیین بیشتری در جنبش کارگری به لحاظ خواستها و چهره های شناخته شده و علنی اش بودیم. امروز

بی نظمی جهانی!

نگاهی به رویدادها و روندها در ۲۰۱۴

حمید تقوایی

صفحه ۵

در تدارک مبارزه ای جانانه برای

افزایش دستمزد کارگران

علی جوادی

صفحه ۸

جنبش اعتراضی کارگری یک عرصه دائمی مبارزه علیه رژیم اسلامی!

ادامه دارد.

يك جنبه مهم مبارزات کارگری گسترده‌گی آنها در شهرهای مختلف است و کشیده شدن دامنه این مبارزات به بیرون از کارخانه تاثیر مهمی بر فضای شهرها دارند. نمونه اخیرش اعتراض کارگران واگن پارس و هپکو در اراک است. صحبت های حسین بختیاری فرماندار این شهر در عکس العمل به این اعتراض کاملا فضای اعتراضات کارگری و وحشت حکومت اسلامی از این مبارزات را بیان میکند. به این معنی که بدنبال ۵ روز اعتصاب و تجمع اعتراضی ۹۰۰ کارگر کارخانه واگن پارس در اعتراض به اخراج یکی از همکارانشان، فرماندار این شهر با هشدارهای همیشگی شان که مبادا این اعتراضات دستاویز تبلیغی "رسانه های بیگانه و معاند" شود و اینکه برخی رسانه ها همسو با "جریانهای ضد انقلاب" باعث شده اند که این روزها نام شهر اراک در این رسانه ها شنیده شود و ... میگوید: "بنا داریم با تعامل همه جانبه هر چه سریعتر به تنش حاکم بر فضای کارگری شهر اراک خاتمه دهیم." نتیجه اینکه قرار میشود حقوق ماه گذشته این کارگران پرداخت شود و کارگر اخراجی نیز به کار خود باز گردد.

خلاصه کلام اینکه جنبش اعتراضی کارگری يك عرصه دائمی مبارزه علیه رژیم اسلامی است که همواره نقش مهمی در توازن قوای سیاسی جامعه داشته و به این اعتبار وزن سنگینی در صحنه سیاسی جامعه دارد. نکته اینجاست که این اعتراضات امروز ابعاد بسیار گسترده تری پیدا کرده و به لحاظ شکل قدمهای بسیاری به جلو برداشته است. بطوریکه بسیاری از این اعتراضات خود يك الگو و يك کیفیت جدیدی به جنبش کارگری

در حال مبارزه و اعتصاب و جدال با کارفرما و دولت بوده اند. فقط اسم بردن از مهترین مراکز و کارخانجاتی که در آنها اعتراض جریان داشته خود يك لیست طولانی ای خواهد شد. از جمله در کارخانجات پارس واگن و هپکو در اراک، بازنشستگان کارخانه «نخ پارسیلون» خرم آباد، در معدن طلای آق دره در تکاب، معدن مینو دشت، معدن کوشک بافق یزد، کارخانه یاس خرمشهر، بازنشستگان کارخانه شمع نور و کارگران کارخانه «شیشه آبیگینه» در قزوین، کارگران قراردادی اداره آب و فاضلاب روستایی شهرستان دشتستان، بازنشستگان نساجی مازندران، شرکت های چهارگانه سرمایه گذاری سبز شامل کارخانه های «کشت و صنعت مهاباد»، «مجمع دامداری و صنعتی مهاباد»، «مجمع هما مرغ مهاباد» و «سردخانه زمزم مهاباد»، شرکت رنگین فام سنندج، کارخانه آلومینای جاجرم خراسان، پرستاران در تهران، مشهد، اصفهان، مازندران، گیلان، خانواده های فعالین کارگری دستگیر شده اخیر در سنندج، صیادان در خارك، اعتراضات کارگران نانوايي در مریوان و سرو آباد، تجمع تعدادی از کارگران بازنشسته و شاغل در مقابل مجلس علیه انتقال بیمه درمان به بیمه سلامت و ... هزاران کارگر در اعتراض و مبارزه بوده اند. محورهای اصلی این اعتراضات خواست افزایش دستمزدها، دستمزدهای پرداخت نشده، علیه اخراج ها و بیکاری، در حمایت از کارگران زندانی و بازداشتی و علیه طرحهای تعرضی حکومت اسلامی هستند. فضای اعتراض در میان کارگران تعرضی است و در جایی چون یاس خرمشهر کارگران در طول یکماه بیش از ده بار تجمع داشته و هنوز هم اعتراضات آنان

گرایشات چپ و راست در درون جنبش کارگری و در کل جامعه است. نکته روشن اینست که فضای پر التهاب جنبش کارگری، جلو آمدن گفتمان هایی چون اینکه ایجاد تشکل کارگری امر خود کارگران است و گسترش دامنه جنبش مجامع عمومی کارگری، جلو آمدن گفتمان اینکه شورای عالی کار را قبول نداریم و دستمزده ما کارگران باید از طریق شرکت نمایندگان منتخب مجامع عمومی خود ما کارگران تعیین شود و ... همه گفتمان های چپ در جنبش کارگری است و بیانگر نفوذ و هژمونی آن بر جنبش کارگری است.

تا آنجایی هم که به اعتراضات جاری کارگری بر میگردد در يك نگاه اولیه شاهدیم که مبارزات و اعتراضات هر روز گسترده تر میشود و جنگی هر روزه بین کارگران در مقابل تعرضات کارفرمایان و دولت جاری است. به عبارت روشنتر ما شاهد اعتراضاتی هستیم که تعرضی است و حتی آنجا که کارگر مورد تهاجمی قرار گرفته است، حرفش اینست که می ایستد و حقش را میگیرد. به این معنی که هر بار دولت با طرحی تهاجمی جلو می آید و بعد که می بیند هوا پس است عقب می نشیند. اما اتفاقی که افتاده اینست که اعتراض علیه این طرحها، زمینه را برای طرح خواستهای اساسی و سراسری در میان کارگران بیشتر کرده است. از جمله امروز در میان کارگران بحث بر سر خواست افزایش دستمزدها، بحث بر سر بیمه بیکاری، بحث بر سر درمان رایگان و خواستهای سراسری کارگری داغ است.

میخواهم بگویم که ما امروز با يك فضای پر جنب و جوش اعتراضی در جنبش کارگری روبروئیم. در همین يك ماه اخیر کارگران در دهها مرکز کارگری

داده است. از جمله نفس اینکه ۴۰ هزار کارگر با خواست افزایش دستمزدها طومار میدهند، هماهنگ کنندگانش در روز اول ماه مه پرچم این خواست را بلند کرده و با تجمعات متوالی پیگیر آن میشوند، تشکلهای مختلف کارگری چون سندیکای واحد بر سر این موضوع طومار جمع کرده و تجمع میکنند، در يك مجتمع هزاران نفری چون پتروشیمی ماهشهر کارگران با خواست حداقل دستمزد دو میلیون تومان علیه تصمیم دولت بر سر تعیین دستمزد می ایستند و میگویند که شورای عالی کار را به رسمیت نمی شناسند، و اتفاقاتی که بر سر این موضوع در همین دو سه ساله اخیر شاهدش بوده ایم، رویدادهایی مهم و بازگو کننده کیفیت دیگری از مبارزه در جنبش کارگری هستند.

نکته مهم اینجاست که مبارزات کارگری را باید در متن شرایطی که جامعه زیر بار گرانی، فقر، فلاکت، در حال جوشش و غلیان است، دید. این اعتراضات را باید در متن شرایطی دید که در آن مردم دارند با جنبش های اجتماعی خود به جلو می آیند. از جمله حجاب ها عملا کنار زده شده و جوانان در مقابل قوانین ارتجاعی اسلامی قد علم کرده اند، جنبش علیه اعدام هر روز قویتر و اجتماعی تر میشود و حتی زندان خود به يك سنگر مهم اعتراض و مبارزه تبدیل شده است.

در چنین شرایطی وزن سنگین اعتراضات کارگری خیلی سریع تاثیر خود را بر فضای شهرها میگذارد و جمهوری اسلامی از این هراس دارد. نمونه اش اعتراضات گسترده ۵۰۰۰ کارگر بافق یزد بود که کل شهر را به تحرك درآورده بود و خود الگویی در مقابل جنبش کارگری و کل جامعه گذاشت. و همچنین اتفاقاتی که در شهر اراک شاهدش هستیم. به عبارت روشنتر فضای پر جنب و جوش محیط های کارگری وزن مهمی در فضای ملتهد جامعه و در سیر تحولات سیاسی اوضاع دارد و این نکته

قابل توجهی است که باید دید.

انترناسیونال: چه مسائلی زمینه های اصلی جنبش کارگری را تشکیل می دهد؟

شهلا دانشفر: زمینه اصلی

این جنبش اعتراضی کارگری طبعا وجود خود این رژیم است. مدتهاست که کارگران و کل جامعه امر به رفتن این حکومت داده اند و برای سرنگونی اش روزشماری میکنند. اتفاقی که در سال ۸۸ روی داد، نقطه عطف در مبارزات مردم برای سرنگونی حکومت بود. مردم در سال ۸۸ تا يك قدمی به زیر کشیدن این حکومت رفتند، ولی توازن قوا حتی به آنجا نکشید که کارگران با تمام قامت وارد میدان شوند و تکلیف اوضاع یکسره شود. اما سال ۸۸ خود تاثیر مهمی در تغییر توازن قوای جامعه به نفع جنبش اعتراضی کارگری و کل جامعه گذاشت. از جمله بدنبال

پشت سر گذاشتن سرکوبهای سال ۸۸ ما با جلو آمدن بیشتر جنبش های اجتماعی مردم در عرصه های مختلف و پبشروی های مهمی در جنبش کارگری روبروئیم. و يك عرصه فعال اعتراض در جامعه، مبارزات کارگری است. وقتی شما به مبارزات کارگری نگاه میکنید، ظاهر این مبارزات حول خواستهای صنفی است. بگذریم که به این لحاظ نیز ما شاهد این تحول هستیم که رهبران کارگری هر روز بیشتر علیه ماشین سرکوب و جنابت رژیم قد علم کرده و با بیانییه ها و فراخوانهایشان به مناسبت های مختلف خواستهای کل جامعه رانمایندگی میکنند. اما همانطور که همیشه تاکید کرده ایم، محتوای این مبارزات سیاسی است و رژیم اسلامی را به چالش میکشد و هر جا که توازن قوا اجازه میدهد، این موضوع فوراً خود را در شعارها و نوع اعتراض کارگران نشان میدهد.

طبعا يك زمینه مهم و پایه ای اعتراضات کارگری و در واقع همه مردم، فقر و فلاکت بیسابقه

جنبش اعتراضی کارگری یک عرصه دائمی مبارزه علیه رژیم اسلامی!

ای است که برگرده کل جامعه تحمیل شده است. اقتصاد به گل نشسته حکومت اسلامی و به تعطیلی کشیده شدن هر روز بیشتر کارخانجات و بیکارسازیهایی گسترده، تبدیل شدن معضل دستمزدهای پرداخت نشده به امری عادی در محیط های کارگری، تهاجمات هر روزه حکومت با طرحهای مختلف به زندگی و معیشت کارگران و کل جامعه و در عین حال انعکاس نزاعهای درون حکومت و جناح بندی هایشان از طریق نهادهای دست ساز حکومتی چون شوراهای اسلامی و خانه کارگر در محیط های کارگری، همه و همه زمینه های اصلی جنب و جوش اعتراضی در محیط های کارگری است. از جمله آمارها هر روز اخبار تکان دهنده ای از ابعاد میلیونی بیکاری و بیکارسازیها بدست میدهد و بطور مثال در همین هفته اخیر ریعی وزیر کار از خطر بیکاری ۲۴۳ هزار کارگر دیگر خبر داد. واقعیت اینست که اقتصاد

حکومت اسلامی به بن بست رسیده است. کاهش بهای نفت در دل نزاعهای دول ارتجاعی منطقه حکومت اسلامی را با کسر بودجه شدیدی روبرو کرده و دولت روحانی که با رسالت مذاکره با آمریکا و غرب و تخفیف تحریم ها به جلو آمده بود تا فرصتی برایشان بخرد، راه به جایی نبرده و مذاکراتشان از جانب هر دو طرف با بن بست روبرو شده است، اقتصاد این حکومت به مرز فروپاشی رسیده است. از همین رو حکومت اسلامی برای بیرون کشیدن خود از این بن بست، تمام حمله اش متوجه زندگی کارگران و مردم است. در این راستا دولت روحانی با روی کار آمدنش بر ادامه اجرای طرح "هدفمند کردن یارانه ها" تاکید گذاشت. به سیم آخر زده اند و نان را هم اخیرا گران کردند و هم اکنون افزایش

مرحله بعدی کالاهای حامل انرژی در دستور است. از سوی دیگر قرار است بخشی از کسری بودجه ناشی از کاهش قیمت نفت را با افزایش مالیاتهای مستقیم و غیر مستقیم اجناس یعنی گرانی بیشتر قیمت ها تامین کنند. بعلاوه اینکه در همین مدت رژیم اسلامی با طرحهای مختلفی چون طرح "اصلاح قانون کار"، طرح "خروج از بحران"، طرح "حذف کارگران ساختمانی از بیمه تامین اجتماعی، طرح انتقال منابع مالی بیمه کارگران بازنشسته و کارگران شاغل به بیمه سلامت، طرح جدید "بیمه بیکاری" و ... حملاتی گسترده به زندگی و معیشت کارگران و کل جامعه را در دستور گذاشته است و این برای جمهوری اسلامی بازی با آتش است. در مقابل می بینیم که کارگران در مقابل این طرحها ایستاده اند. يك نمونه اش طرح واگذاری منابع مالی بیمه کارگران به بیمه سلامت بود که بعد از تجمعات اعتراضی کارگران و با توجه به اینکه دامنه این موضوع هزاران کارگران را در بر میگرفت، مجلس فوراً عقب نشست و آنرا به تعویق انداخت. در مورد طرح تغییر در قانون کار نیز همین اتفاق افتاد. بدین ترتیب حملات هر روزه رژیم به زندگی و معیشت مردم زمینه ساز اعتراضات گسترده ای در میان کارگران و کل جامعه شده است.

انترناسیونال: سیاست جمهوری اسلامی در مقابل جنبش ها و اعتراضات کارگری چیست؟

شهبلا دانشفر: سیاست دولت روحانی در ادامه سیاست ۳۵ ساله حاکمیت رژیم اسلامی، خراب کردن بار بحران برگرده کارگران و کل جامعه است. اما با تشدید بحران اقتصادی حکومت و فلج شدن آن،

دلیلش نیز اینست که او در زندان نیز ساکت نیست و صدای آزادی و انسانیت است. یا در مبارزات کارگری می بینیم که کارگران با شکایت کارفرما و به جرم اغتشاش دستگیر و مورد بازجویی قرار میگیرند. اما در برابر این موارد نیز کارگران ایستاده اند و جدالی هر روزه در جریان است. و می بینیم که زندان نیز خود به صحنه اعتراض فعال کارگری و زندانیان سیاسی تبدیل شده است. جدا از سرکوب آشکار، طرحهایی چون "طرح اصلاح قانون کار" نیز تلاش برای بیرون انداختن کارگران معترض از کارخانجات و امنیتی کردن فضای کارخانجات است.

سیاست دیگر حکومت در قبال مبارزات کارگری و جنبش های اعتراضی دیگر مهار و کنترل آنها از طریق نهادهای مورد اعتماد و اتکای خود در این مبارزات است. به این معنی که زیر فشار جنبش اعتراضی کارگری و فضای پر التهاب جامعه، حکومت تلاش میکند با میدان دادن به گرایشات راست و تشکلهای تحت کنترل خود، مبارزات کارگری و اعتراضات موجود در جامعه را از خواستههای اصلی اش دور سازد. نمونه اش نقشی است که امروز تشکلهای دست ساز دولتی خانه کارگریها و دارو دسته هایشان و گرایشات راست توده ایستی در جنبش کارگری جلو میبرند. اگر خاطررتان باشد در مصاحبه دیگری در انترناسیونال در تیرماه ۹۲ در این مورد اشاره کردم که زیر فشار جنبش رادیکال و اعتراضی کارگری و در واقع به ته خط رسیدن کار شوراها و اسلامی که نقش سرکوب و جاسوسی رژیم در کارخانجات را داشتند، امروز ما شاهد تقلاهای دیگری از سوی خانه کارگر در محیط های کار و در میان کارگران هستیم. از جمله تلاش آنها برای ایجاد نوعی اتحادیه های زرد به عنوان زیر مجموعه خانه کارگر با تشکیلاتی چون "کنفدراسیون عالی کارگران ایران" را شاهدیم. بخش اعظم این تشکلهای زرد در همین دو سه

ساله اخیر ساخته شده اند. بر همین زمینه سندیکالیسم سنتی و گرایش راست توده ایستی میدان تحرکی یافته و در کنار خانه کارگر بستر فعالیتی در میان کارگران پیدا کرده است. سیاست و هدف اینها مهار و کنترل مبارزات کارگری و اعتراضات جاری در چهارچوب نظام موجود است. هدف اینها بدست گرفتن مطالبات و خواستههای فوری کارگران و مهار جنبش اعتراضی کارگری است. فراخوانشان نیز به کارگران بیعت با قوانین ضد کارگری جمهوری اسلامی است. نمونه ای از پیشبرد همین سیاست را در مبارزات اخیر پرستاران توسط سازمان خانه پرستار شاهد بودیم که فراخوانهایشان به پرستاران دعوت به سکوت، دعوت به حجاب و الله اکبر و غیره بود. این سیاستی است که کل حکومت نیز با آن کنار می آید و هر جا که اوضاع را خارج از کنترل دید، با نیروی انتظامی و سرکوبش وارد میدان میشود.

انترناسیونال: بنظر میرسد در این مورد اختلافاتی در درون حکومت وجود دارد، کارگران از این اختلافات چگونه می توانند استفاده کنند؟

شهبلا دانشفر: در درون حکومت اسلامی بر سر همه چیز نزاع و دعوا است. از جمله بر سر رابطه با غرب، حجاب، طرحهای مختلف اقتصادی شان و غیره جنگ و دعوا دارند. و این ترس از گسترش مبارزات مردم است که باندهای مختلف حکومتی را چنین به جان هم انداخته است. انعکاس نزاعهایشان را در جنبش اعتراضی کارگری نیز می بینیم. خصوصاً آنجا که با طرحهای تهاجمی شان میخواهند زندگی و معیشت کارگران و مردم را مورد هدف قرار دهند و از ترس "فتنه ای دیگر" یعنی ترس انقلاب مردم نزاع و دعوا دارند، انعکاس آن را مستقیماً در مبارزات کارگری میتوان دید. جنبه ای دیگر از دعوایهایشان بر سر

جنبش اعتراضی کارگری یک عرصه دائمی مبارزه علیه رژیم اسلامی!

فروش سهام کارخانجات و یغمای بیشتر از سفره کارگران است و بخش دیگرش نیز رقابتهای دارو دسته های حکومتی و نهادهای دست سازشان چون شوراهای اسلامی و خانه کارگر است. دعوایی که بعضا پای امامان جمعه و نمایندگان مجلس و سران حکومت را به میان می آورد. و بعضا به اخراج عناصری از شورای اسلامی و غیره کشیده میشود. اینها نیز برای حفظ موقعیت خود سعی میکنند مبارزات کارگران را وجه المصلحه قرار دهند و خود به آتش اعتراض در کارخانه دامن میزنند. ضمن اینکه تلاش دارند آنرا در مجرای مورد نظر خود بیندازد. اما این کشاکش ها در متن فضای انفجاری محیط های کارگری زمینه گسترش بیشتر اعتراضات کارگری را فراهم کرده است.

اندازی برای پیشروی بیشتر مبارزات کارگری ایجاد میکند، اما فضای اعتراضی در میان کارگران آنقدر بالاست که در عمده موارد اوضاع از دست کارفرما و دولت خارج میشود. فضای اعتراض غالب میشود. یک نمونه اش اعتراض ۵۰۰۰ کارگر بافق یزد بود که امام جمعه و نماینده مجلس و نماینده شورای اسلامی شهر و همه درگیرش بودند. در بافق یزد سعی کردند که کارگران را با جمع کردن در مسجد و نماز جماعت و غیره تحت کنترل خود داشته باشند. اما ۵۰۰۰ کارگر به میدان آمدند. و این اعتراضات به درون شهر و مقابل فرمانداری کشیده شده و کارگران توانستند جلوی تعطیلی کارخانه را بگیرند، همکاران بازداشت شده خود را با تاکید بر آزادی بدون قید و شرط آنان و ایستادن در مقابل شرط وثیقه آزاد کنند و دستمزدهای پرداخت نشده خود را نقد کنند. و یا مثلا در واگن پارس اراک در هفته اخیر رئیس شورای اسلامی کارخانه را دستگیر کرده بودند، ۹۰۰ کارگر به اعتراض بلند شدند. ولی نفس اینکه کارگران قدرتمند ایستادند و توانستند کارگر اخراجی را بر سر کار برگردانند و نه تنها این بلکه پرداخت یک ماه دستمزد معوقه خود را تحمیل کنند، یک قدرتمندی مهم برای کارگران بود و بر فضای شهر اراک تاثیر خود را گذاشت.

در همین راستا نمونه دیگر جدالی است که بر سر طرح "اصلاح قانون کار" وجود دارد. هدف مستقیم این "اصلاحات"، در ماده های ۲۷ و ۱۶۵ قانون کار در جهت پیشبرد این هدف و سرکوب کارگران از راه قانون و باز گذاشتن دست کارفرمایان در بیکارسازی بیشتر کارگران است. در این بندها آمده است کارگری که آیین نامه های انضباطی

دادن به خواسته های جنبش اعتراضی کارگری است.

میںخواهم بگویم که انعکاس اختلافات درون حکومت در جنبش کارگری، و به جان هم افتادن هایشان فرصتی است که کارگران را حول خواسته های سراسری و رادیکال خود متحد کنیم. یک شرط مهم این کار نیز نقد گرایشات راست، شعارهایشان و عقب راندن آنها از سر راه مبارزاتمان است.

انترناسیونال: در شرایط حاضر چه چشم اندازی برای جنبش کارگری می بینید؟ این جنبش نسبت به سالهای گذشته چه پیشرفتهایی داشته است و نقاط ضعف آن کدامند؟ کارگران چگونه می توانند به این ضعف ها غلبه پیدا کنند و جنبش کارگری چه افقی را باید در پیش روی خود بگذارد؟

شهلا دانشفر: همانطور که اشاره کردم جنبش کارگری وزن مهمی در اوضاع سیاسی ایران دارد. و با توجه به فضای ملتهب جامعه میتواند ایفاگر نقش سیاسی مهمی در این اوضاع باشد. ظرفیت آن وجود دارد اما هنوز خود این جنبش از ضعف هایی رنج میبرد که مانع است. بطور مثال همین امروز با توجه به ابعاد گسترده اعتراضات کارگری، با توجه به فضای اعتراضی کل جامعه ظرفیت های بسیار بیشتری برای قد علم کردن جنبش کارگری بعنوان پرچمدار خواسته های کل جامعه وجود دارد. یعنی طبقه کارگر میتواند و باید هم خواسته های ویژه خود را روشن تر و رادیکال تر بیان کند و هم خواسته های سراسری و سیاسی را در سطح معینی که توازن قوا اجازه میدهد طرح نماید.

به نظر من یک ضعف مهم بخشی از رهبران و فعالین کارگری غرق شدن در مبارزات جاری و نداشتن تصویر جامع و همه جانبه از جنبش کارگری بعنوان تقابل طبقه کارگر با بورژوازی در تمامی عرصه هاست. کمونیسم کارگری افق

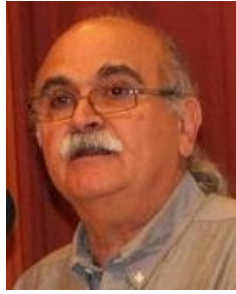
وسیع و همه جانبه ای را در برابر رهبران کارگری قرار میدهد. برای جلوگیری از جنبش کارگری در چنین قامتی و ابراز وجود هر چه بیشتر رهبران کارگری در سطح سیاسی، باید وسیعا این افق را در مقابل جنبش کارگری قرار داد. در همین راستا حزب هر چه بیشتر رهبران کارگری در حزب کمونیسم کارگری یک گام مهم در جهت بردن هر چه بیشتر این افق به درون جنبش کارگری است.

نقطه ضعف دیگر جنبش کارگری اینست که توانسته است از ظرفیت مدیای اجتماعی بعنوان یک ابزار مهم سازمانیابی و ارتباط گیری گسترده سراسری استفاده کند. به نظر من میشود تمام کارخانجات و مراکز بزرگ کارگری میتوانند برای مثال صفحه های فیس بوکی خود را داشته باشند. صفحاتی که محل تبادل نظر کارگران معترض این مراکز باشد. در این صفحات کارگران گفتمان های خود را بر سر خواسته هایشان داشته باشند.

اخبار اعتراضاتشان را ردو بدل کنند. فراخوانهایشان را بدهند. و همه اینها بر روی شبکه های اجتماعی لاین و وایبر و غیره پمپاژ شود و از این طریق یک همدلی سراسری و گسترده در میان این کارگران ایجاد شود. از این طریق میشود یک شبکه سراسری ارتباطی بین رهبران کارگری در سطح ایجاد کرد و به تدارک اعتراضات کارگری در شهرهای مختلف رفت. و یا تشکلهای منطقه ای کارگری را شکل داد. همچنین میتواند دنیای مجازی شبکه مدیای اجتماعی را به فضای واقعی مبارزات کارگری وصل کرد و قرار و مدارهای اعتراضی را گذاشت. همچنین میشود بر سر موضوعات اجتماعی و سراسری کارگران مثل علیه بیکاری، و تحت عناوین مختلف و ابتکاراتی که داریم گروه هایی اجتماعی درست کرد و گفتمانهایی بر سر خواسته های سراسری خود به راه انداخت و سازمان ایجاد کرد. این عرصه ایست که جنبش کارگری خیلی

بی نظمی جهانی! نگاهی به رویدادها و روندها در ۲۰۱۴

حمید تقوایی



اعتراف رسانه ها و آکادمیسینها و حتی دولتها و نهادهای جهانی سرمایه داری نظیر مجمع اقتصاد جهانی داوس و صندوق بین المللی پول و بانک جهانی و غیره به ناممکنی ادامه این وضعیت و هشدار و توصیه به دولتها برای چاره جوئی است. از این نقطه نظر دهه دوم قرن حاضر و بخصوص مشخصا سال گذشته دوره ویژه و شاخصی است.

خاورمیانه مظهر نظم ورشکسته سرمایه داری

خاورمیانه قرار بود مدل موفق از نظم نوین سرمایه داری بدست بدهد. اما ظهور قدرتگیری داعش در سال گذشته آخرین میخ بر تابوت استراتژی نظم نوین جهانی بود. البته پوشش تبلیغی - دیپلماتیک نظم نوین، یعنی ادعای پایان جنگها و کشمکشها و کلا مبارزه طبقاتی و تا آنجا که به خاورمیانه مربوط میشود، صدور دموکراسی به قدرت بمب و توپ و تانک ناتو و سر بر آوردن یک خاورمیانه بزرگ و دموکراتیک از دود و آتش هجوم نظامی به افغانستان و عراق، از مدتها قبل پوچی و بی اعتباری خود را نشان داده بود. ظهور داعش آخرین حلقه در ورشکستگی مضمون واقعی "نظم نوین" یعنی تشبیت هژمونی آمریکا بر خاورمیانه و به تبع آن بر کل دنیای پس از جنگ سرد بود.

داعش محصول استراتژی نظم نویسی و شکست این استراتژی هر دو است. این نیروی فوق ارتجاعی و فاشیست اسلامی بر زمینه شرایط عراق و سوریه شکل گرفت اما محصول مستقیم رقابتها و کشمکشهای منطقه ای ترکیه و عربستان و امارت و جمهوری اسلامی بر زمینه خلا قدرتی است که شکست ضعف آمریکا در منطقه بوجود آورده است. از زاویه جنبش اسلام سیاسی ظهور داعش به معنی اعلام جنگ داخلی در درون این جنبش بود. به این معنی سال ۲۰۱۴ نقطه

وقتی کتابی با عنوان "سرمایه داری در قرن بیست یکم" به تفاوت فاحش و تشدید شونده ثروت میان درآمدهای ناشی از مالکیت و ناشی از کار میپردازد و با آمار و عدد و رقم ثابت میکند که این تفاوت در خود مناسبات نظام سرمایه داری ریشه دارد، در لیست پر فروشترین کتابهای سال ۲۰۱۴ قرار میگیرد. نویسنده این کتاب، توماس پیکتی، یک آکادمیسین اقتصاددان فرانسوی است که میگوید کاپیتال مارکس را خوانده و حتی خود را چپ هم نمیداند، اما با این حال رسانه ها و صاحب نظران کتابش را با کاپیتال مارکس مقایسه میکنند و در مورد راههای توصیه شده در این کتاب برای نجات کاپیتالیزم از وضعیت بحرانی حاضر به بحث و ابراز نظر میپردازند.

در سال گذشته دره عمیق فقر و ثروت میان یک درصدیهای حاکم و توده مردم به چنان ابعاد باور نکردنی ای رسید - موسسه آکسفام اعلام کرد که ثروت ۸۵ نفر از ثروتمندترین مردم دنیا باندازه ثروت نیمی از مردم کره ارض است - که حتی کلان سرمایه دارن و کارشناسان دورنگشان در اجلاسهای جهانی خود اعلام کردند این وضعیت قابل ادامه نیست و نسخه هائی برای مرمت و اصلاح کاپیتالیزم پیشنهاد کردند که البته نه در چارچوب سرمایه داری عملی بود و نه هیچ دولتی آنرا جدی گرفت. روند ثروتمند تر شدن ثروتمندان و فقیرتر شدن فقرا یک خصیصه ذاتی سرمایه داری است که در تمام طول تاریخ سلطه سیاسی و اقتصادی سرمایه - از ۸۰ درصد رسیده است - هشدار میدهد. بر متن این این نارضائی وسیع و بنیادی است که

چپ در این کشورها است. اما در دیگر کشورهای غربی ظاهرا با ثبات تر نیز نارضائی مردم از دولتها و کلا دستگاه حاکمه در سال گذشته به رکوردهای تازه ای رسید (در آمریکا نارضائی از اوباما به سطح نارضائی عمومی از جرج دبلیو بوش در آخرین ماههای ریاست جمهوری تنزل یافته و در فرانسه محبوبیت فرانسوا اولاند رئیس جمهور آن کشور تا سطح بیسابقه ۱۳ در صد سقوط کرده است). اما مساله بورژوازی جهانی از نارضائی مردم از کابینه ها و رئیس دولتها فراتر میروند. معضل آنها بی اعتمادی فزاینده مردم و رویگردانی آنها از کل سیستم حکومتی بورژوازی است؛ امری که جنبش اشغال در غرب، با شعار نود نه درصدیهای علیه یک در صدیها، آنرا به یک موضوع سیاسی - اجتماعی معرفه و شناخته شده در یک مقیاس جهانی تبدیل کرد.

تشدید نابرابری اقتصادی

جنبش اشغال انعکاس نارضائی توده ای از کل دموکراسی و دستگاه حاکمیت بورژوائی در موفقترین نمونه هایش یعنی در کشورهای غربی بود. جنبش اشغال فروخوابید اما ۲۰۱۴ نشان داد که زمینه های سیاسی و اقتصادی جنبش اشغال و گرایش و خواست توده ای به تغییرات اساسی نه تنها پایان نیافته بلکه تعمیق و تشدید شده است. نشریه اکونومیست در سرمقاله خود از "دموکراسی بیمار غرب" صحبت میکند و نسبت به بی اعتمادی فزاینده توده مردم از "دستگاه و شیوه حکومت" که در آمریکا به بیش از ۸۰ درصد رسیده است - هشدار میدهد. بر متن این این نارضائی وسیع و بنیادی است که

در نوار غزه، تعمیق شکاف بین اردوی فقر و ثروت در سطح جهانی و پرفروش شدن کتاب سرمایه داری قرن بیست و یکم که موضوع محوریش همین تفاوت ثروت میان نود و نه درصدیها و یک درصدیها است، تطهیر طالبان از سوی دولت آمریکا، عقب رانده شدن نیروهای اسلامی بوسیله مردم تونس، تداوم بحران سیاسی در یونان و اسپانیا و بسط نفوذ احزاب چپ در این کشورها، اعتراضات گسترده مردم آمریکا در بیش از هفتاد شهر علیه تبعیض نژادی و جنایات پلیس علیه سیاهپوستان در آن کشور و غیره و غیره. در همه این تحولات میتوان بروشنی نارضائی عمومی توده مردم و عمق پوسیدگی دولتها و نیروهای حاکمه را مشاهده کرد. این رویدادها در شرایط نوین توازن قوای طبقاتی در دنیای پس از جنگ سرد ریشه دارد و در پایه ای ترین سطح صفتندی دو قطب کار و سرمایه را در برابر یکدیگر منعکس میکند.

در تحلیل نهائی آنچه زمینه مشترک این رویدادها و تحولات را تشکیل میدهد سردرگمی و بی افقی استراتژیک بورژوازی جهانی در قرن بیست و یکم است. پس از گذشت بیش از ۶ سال از فروپاشی وال استریت، هنوز سرمایه داری جهانی کمر راست نکرده است. اروپا همچنان با رکود اقتصادی و نرخ بالای بیکاری و دیگر پس لرزه های اقتصادی و سیاسی زلزله ای که در زمستان ۲۰۰۸ بنیادهای عینی و فکری جهان سرمایه را درهم ریخت دست بگریبان است. این شرایط در کشورهایی نظیر یونان و اسپانیا به یک بحران مزمن سیاسی منجر شده است و یکی از نتایج این وضعیت محبوبیت و بسط نفوذ احزاب

"کارشناسان سیاست خارجی مدتهاست خواهان چیزی هستند که آنرا "نظم جهانی" می نامند. نگرانی آنها اینست که ساختار بین المللی در حال پوسیدن است. ... در مقطع حاضر مدیریت دنیا بنحو استثنائی سخت به نظر میرسد. شهروندان از نخبگانی که بر آنها حکومت میکنند به ستوه آمده اند ..."

این اظهار نظر ادیتور خارجی هفته نامه اکونومیست در مقاله ای در شماره ویژه این نشریه بمناسبت فرا رسیدن سال ۲۰۱۵ است. عنوان این مقاله "بی نظمی جهانی" است. هفته نامه اکونومیست بعنوان یک نشریه معتبر جناح راست بورژوازی دنیا خود یک مبلغ و مدافع فعال نظم نوین جهانی، یعنی استراتژی نئوکنسرواتیسم میلیتاریستی آمریکا برای تحقق هژمونی خودش بر دنیای پسا شوروی بود. در این نوشته به شکست این استراتژی اشاره ای نشده اما این ابراز نگرانی از بی نظمی جهانی خود اعتراف به نافرجامی سیاست نظم نوین سرمایه داری است.

پوسیدگی نظم سرمایه و نارضائی مردم

رویدادهای ۲۰۱۴ در یک مقیاس کلان و عمومی، همانطور که نویسنده مقاله اکونومیست شاید بی آنکه خود بخواهد به آن اشاره میکند، حاکی از "پوسیدگی ساختار جهانی" سرمایه داری و "به ستوه آمدن مردم دنیا از حکومتگران" است: بیدان آمدن مردم اوکراین علیه الیگارشی مالی حاکم بر این کشور و تقابل روسیه و کمپ غرب در این رابطه، عروج هارترین شاخه های اسلام سیاسی نظیر بوکو حرام و داعش، جنگ هفت هفته ای اسرائیل و حماس

بی نظمی جهانی!

عطفی در جنبش اسلام سیاسی است؛ نقطه رو در رو قرار گرفتن شاخه سنی و شیعی در این جنبش که در دو دهه اخیر با وجود اختلافات و تمایزاتشان یک جبهه واحد ضد آمریکائی را تشکیل میدادند. هویت کل نیروهای اسلام سیاسی - از طالبان و القاعده و حماس و حزب الله و جمهوری اسلامی و غیره - مقابله با آمریکا است. اما داعش وظیفه و رسالت سیاسی خود را نه غربستیزی و مقابله با آمریکا و حتی اسرائیل، بلکه شیعی اسلام سیاسی تعریف کرده است. البغدادی در جریان جنگ غزه در تابستان گذشته اعلام کرد با اسرائیل جنگ ندارد بلکه هدفش مبارزه با مرتدین - یعنی دولت عراق و سوریه و جمهوری اسلامی و کلا هر نیروی اسلامی غیر سلفی - است. این رسالت سیاسی البته ربطی به ایدئولوژی اسلامی داعش ندارد، بلکه همانطور که اشاره شد با رقابتهای منطقه ای عربستان - ترکیه - امارات علیه جمهوری اسلامی - دولت عراق - دولت سوریه کاملاً منطبق و حاصل آنست. از این نقطه نظر داعش مظهر با خود درگیر شدن جنبش اسلام سیاسی است. و این بنویه خود میتواند برای دولت آمریکا و متحدین غربی اش در پیچه تازه ای برای احیای موقعیت از دست رفته شان و بازسازی سرپلها و یارگیریهای تازه برای تامین اهداف و منافعشان در خاورمیانه باز کند. از نظر خدمات متقابل تروریسم میلپارتیستی غرب و تروریسم اسلامی تفاوتی میان داعش با دیگر شاخه های اسلام سیاسی وجود ندارد.

کوبانی و مردم دنیا

اما از نقطه نظر مردم منطقه و مردم جهان سال ۲۰۱۴ نه سال داعش بلکه سال مقاومت مردم

میدهم.)

بحران حکومتی در اوکراین و یونان و اسپانیا

یکی از اولین تحولات سال گذشته که نارضایتی مردم از حکومت بستر اصلی آنرا تشکیل میداد بحران اوکراین بود. بحران اوکراین بر خلاف تبیین سطحی دولتها و ژورنالیسم رسمی ناشی از کشمکش میان روسیه و غرب نبود. این شکل و قالبی بود که بحران به خود گرفت اما بدون جنبش اعتراضی وسیع مردم علیه اولیگارشائی مالی حاکم - از هر دو قطب پرو غربی و پرو روسی - که اشغال بیش از سه ماه میدان استقلال کیف بوسیله مردم معترض مظهر آن بود، تقابل و کشمکش میان روسیه و غرب بر سر اوکراین اساساً شکل نمیگرفت. بدون اعتراضات توده ای مساله حکومت در اوکراین هم مثل دیگر کشورهای اروپا شرقی میتوانست حل و فصل بشود.

امروز حرکات اعتراضی مردم فروخوابیده و بحران اوکراین تماماً در تقابل میان روسیه و کمپ غرب خود را نشان میدهد. اما آن مسائل اقتصادی سیاسی که موجب بحران اوکراین شد، همانند بحران یونان و اسپانیا، همچنان بن بست و بحران مزمین سیاسی و اقتصادی بورژوازی در این کشورها است. وضعیتی که به یک بحران حکومتی تبدیل شده و بورژوازی جهانی در چشم انداز و آینده قابل پیش بینی راه حلی برای آن ندارد. تفاوت میان اوکراین و یونان و اسپانیا تنها در اینست که اوکراین در دوره جنگ سرد به کمپ شوروی متعلق بود و در همسایگی روسیه واقع شده است. و بهمین دلیل ناسیونالیسم عظمت طلب روس که بوسیله پوتین نمایندگی میشود نمیتواند به وجود یک دولت تماماً پرو غربی در این کشور رضایت بدهد. البته اگر سرمایه داری بازار آزاد میتوانست حتی نیمی از وعده وعیدهایی که بعد از فروپاشی دیوار تبلیغ میکرد عملی کند جای چندانی برای مانور پوتین و جاه طلبی های ناسیونالیسم عظمت طلب روس

باقی نماند. بحران اوکراین تا جایی که به کشمکش بین روسیه و غرب مربوط میشود در واقع جلوه دیگری از ناتوانی آمریکا و کل کمپ غرب در تامین و تثبیت هژمونی اش بر دنیای بعد از جنگ سرد است.

ایران در سالی که گذشت

در هیچ کشوری مانند ایران پوسیدگی نظم سرمایه و درماندگی و در عین حال توحش حکومتگران، و در مقابل آن نارضائی و اعتراضات عمیق و گسترده مردم بارز و برجسته نیست. رسانه های رسمی مذاکرات غرب و جمهوری اسلامی بر سر پروژه هسته ای و بی نتیجه و معلق ماندن آنرا مهمترین تحول سیاسی سال گذشته در رابطه با ایران معرفی میکنند اما حتی نافرمامی این مذاکرات نیز خود انعکاسی از درماندگی حکومت در مقابله با جامعه ایران است. حکومتی که بر آتشفشان خشم مردم نشسته لرزان تر و بی ثبات تر از آنست که بتواند تغییری در استراتژی ضدیت با شیطان بزرگ ایجاد کند و همچنان در قدرت باقی بماند. مردمی که منتظر فرصت نشسته اند به او امان نخواستند داد. این اساس بن بست سیاست مذاکرات با آمریکا است که در کشمکش جناحها بر سر مساله اتمی از جمله از جانب کیهان شریعتمداری با هشدار در مورد "سوء استفاده ضد انقلاب" از هر درجه نزدیکی با آمریکا علناً مطرح و اعلام میشود.

اما مساله رابطه با غرب تنها خبر داغ مربوط به اوضاع ایران نبود. بجای گذاشتن رکوردهای تازه جهانی در زمینه اعدامها و افزایش تعداد زندانیان و از سوی دیگر ابعاد باورنکردنی فساد دولتی و دزدیهای نجومی ایت الله ها و مقامات حکومتی به یک خبر عادی رسانه های ایران در سال گذشته را تشکیل میداد.

در سال گذشته حکومت جمهوری اسلامی نه تنها در زمینه دزدی و غارت اموال مردم و ثروتهای جامعه، بلکه درجه توحش و قساوت اش در برخورد

به مردم همه مرزها را درهم شکست. علاوه بر اعدامها و بازداشتها شاخص دیگری که توحش و در عین حال درماندگی حکومت را به نمایش گذاشت حمله اوباشان حکومتی با اسید و چاقو به زنان "بدحجاب" بود. این جنایت حکومت با اعتراضات توده ای و شعار "ای بدتر از داعشی" از جانب مردم پاسخ گرفت. و این تنها گوشه ای از مبارزات مردم به ستوه آمده از حکومت اسلامی بود. سال گذشته را باید سال شکلگیری و گسترش اعتراضات اجتماعی در ایران به شمار آورد. میتوان گفت که جامعه پس از یک دوره افت نسبی سطح مبارزات بدنبال سرکوب خیزش انقلابی ۸۸، قد راست کرد و در ابعاد و عرصه های وسیعتری در برابر بیحقوقیها و محرومیتهای ایستاد.

اعتراضات و اعتصابات کارگری برای افزایش دستمزد، علیه اخراج و بیکاری، علیه بازداشت فعالین جنبش کارگری، و بر سر دیگر مطالبات و خواستههای جنبش کارگری که در واقع خواستههای برحق بخش عظیم مردم زحمتکش و شریف، کمپ نود و نه درصدیها، را نمایندگی میکند، در تمام طول سال گذشته ادامه داشت. گسترش مبارزه علیه حجاب اسلامی و گسترش بدحجابی و حتی بی حجابی در جامعه، مقابله با آپارتاید جنسی در دانشگاهها و میادین ورزشی، شکل گیری یک جنبش اجتماعی وسیع علیه مجازات اعدام - از جمله و بویژه حول پرونده رحانه و پاگرفتن جنبش بخشش به همت خانواده مقتولین - که بخش نسبتاً وسیعی از چهره های هنری و ورزشی را نه تنها در خارج کشور بلکه در خود ایران فعال کرد و بمیدان آورد بروز دیگری از اعتراضات اجتماعی در سال گذشته بود. و بالاخره به جنبش و تحرك اجتماعی جوانان برای خلاصی فرهنگی - که ویدیوی هپی و بزرگداشت مرتضی پاشائی دو نمونه بارز آن بود - و

از صفحه ۴

جنبش اعتراضی کارگری یک عرصه دائمی مبارزه علیه رژیم اسلامی!

ضعیف واردش شده است و بخش جوان کارگری بویژه میتواند نقش مهمی در آن ایفا کنند و برای آن گام بردارند.

جنبه دیگر موضوع پراکندگی و از هم گسیختگی رهبران کنونی کارگری است که جلو آمدن آنها حاصل یک دهه مبارزه و تلاش این کارگران و تشکلهای کارگری است. شک نیست که قطبی شدن جامعه فاصله بین گرایشات راست و چپ در جامعه را بیشتر و بیشتر میکند. اما اختلاف در میان رهبران کارگری الزاما از این جنس نیست، و به نظر من رهبران معترض کارگری که رادیکالند و در جلوی صف اعتراض کارگران قرار دارند، علیرغم هر نوع اختلاف فکری که دارند میتوانند حول مبارزات جاری کارگری متحد عمل کنند. اتحاد عمل

این کارگران رادیکالیسم را تقویت میکنند و میتوانند سنگری برای عقب زدن تحرکات راست در جنبش کارگری که ربطی به خواست و اعتراض کارگران ندارند باشد.

آخرین نکته اینکه من در سوال قبلی از نقش بازدارنده و کند کننده گرایشات راست در جنبش کارگری که ابزار دستی برای خود حکومتند، اشاره کردم. یک وظیفه مهم ما نقد و طرد این گرایشات در میان کارگران است.

انترناسیونال: شما در صحبت های قبلی خود در مورد بهنام ابراهیم زاده از رهبران جنبش کارگری صحبت کردید که در اسارت جمهوری اسلامی است و زندگی او در معرض خطر قرار دارد. در حمایت از او کمپینی آغاز شده است، این کمپین چطور

پیش می رود و چگونه میتوان به پیشبرد آن کمک کرد؟

شهلا د/تشفیر: اشاره شما به کمپین "بهنام را آزاد کنید"، است. این کمپین از طرف کمیته مبارزه برای آزادی کارگران زندانی، کمپین برای آزادی کارگران زندانی و کودکان مقدمند در ۲۷ دسامبر اعلام شد. میدانید که بهنام ابراهیم زاده ۴ سال است در زندان است و در این مدت زیر فشار شکنجه های رژیم اسلامی دچار بیماریهای بسیاری شده است و باید فوراً تحت درمان قرار گیرد. او به جرم دفاع از حقوق کارگر، حقوق کودک در زندان است، و از آنجا که در زندان نیز ساکت نمانده و همچنان صدای آزادیخواهی و انسانیت است، وی را زیر فشار گذاشته و او را به بند

زندانیانی که قتل کرده اند انتقال داده اند. و میخواهند تحت عنوان "اعتشاش" در زندان و همکاری با "ضد انقلاب" و غیره وی را دوباره محاکمه کنند. از همین رو بهنام از ۱۲ آذر ماه در اعتصاب غذا بسر میبرد و این موضوع وضعیت جسمانی او را به خطر انداخته و از جمله دچار خونریزی معده شده است.

با توجه به وضعیت اضطراری بهنام ما این کمپین را اعلام کرده ایم. ما نامه بهنام ابراهیم زاده از زندان رجایی شهر خطاب به جهانیان را به انگلیسی ترجمه کرده و آنرا برای همه نهادهای کارگری و انساندوست در سراسر جهان ارسال کرده و تلاش به جلب یک حمایت جهانی از او داریم. در این فاصله افسانه وحدت از طرف این کمپین دیداری با مسئولان عفو بین الملل در سوئد داشت که آنها طی نامه ای به مقامات رژیم اسلامی، ضمن محکوم کردن فشار بر روی بهنام و زندانیان سیاسی خواستار آزادی وی از زندان شده اند. کمپین "بهنام را آزاد کنید" کمپینی

ادامه کار است و هدف آن آزادی بهنام از زندان است. ما در همین رابطه روز دوازدهم ژانویه الی هجدهم ژانویه را به عنوان هفته حمایت از بهنام ابراهیم زاده اعلام کرده ایم و و فراخوان من به همگان اینست که با امضای طومارحمایت از بهنام ابراهیم زاده و خواستهایش، با ارسال پیام همبستگی به صورت نوشته و یا تهیه کلیپ، با برپا کردن پیکت های اعتراضی در هفته حمایت از بهنام و به هر شکلی که میتوانند به این کارزار بپیوندند. در ایران نیز میتوان تحرکی گسترده حول این کارزار به راه انداخت. طومارهای اعتراضی جمع کرد. عکس بهنام را همه جا نصب کرد. در حمایت از او کلیپ درست کرد و بر روی صفحات فیس بوکی و سایت ها گذاشت. در شبکه های مدیای اجتماعی خواست حمایت از بهنام و خواستهایش را به گفتمانی وسیع و اجتماعی تبدیل کرد و ما انتظار بیشترین حمایت ها را داریم. *

از صفحه ۶

بی نظمی جهانی!

را تشکیل میداد. تحولات سال گذشته بروشنی نشان داد که فاتحین این جنگ و مقابله فرهنگی، توده مردم این و بویژه زنان و جوانان هستند. وضعیت سیاسی جامعه ایران نمونه بارز دو روند عمومی "پوسیدگی نظم سرمایه" و "به ستوه آمدن شهروندان" از سیستم حکومتی موجود در سال گذشته بود.

موخره

روند پوسیدگی نظم سرمایه، بحران و رکود اقتصادی، گسترش بی اعتباری و بی اعتمادی توده مردم به دموکراسی و سیستم حکومتی و دولتها در غرب و در شرق، و تعمیق شکاف میان دره فقر و کوه ثروت بیگمان در سال ۲۰۱۵ نیز ادامه خواهد یافت. از

سوی دیگر در برابر این بی نظمی جهانی آرمانها و ایده آلهای چپ، انسانی برابری طلبانه و آزادیخواهانه در سطح جهانی بیش از پیش رشد خواهد کرد و گسترش خواهد یافت. اما این روند تنها میتواند به همت چپ متحزب و سازمانیافته و سر بلند کردن احزاب کمونیستی که بتوانند توده شهروندان به ستوه آمده از وضع موجود را در عرصه مبارزه بر سر قدرت سیاسی و بجوش کشیدن سلطه سیاسی و اقتصادی سرمایه داری نمایندگی کنند به پیروزی و رهائی مردم منجر شود. تحقق این امر تماما در گرو پراتیک انقلابی احزابی نظیر حزب کمونیست کارگری است. *

مشخصات و ساعات پخش

تلویزیون کانال جدید

تلویزیون کانال جدید از شبکه "نگاه شما" در
هاتبرد پخش میشود.

مشخصات "نگاه شما" به این شرح است:

فرکانس: ۱۱۲۰۰ پولاترزیسیون: عمودی

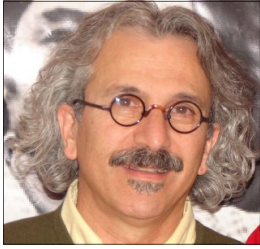
سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰ FEC: ۵/۶

تلویزیون کانال جدید در GLWIZ نیز
قابل دریافت است.

برای دریافت برنامه از طریق جی ال وایز
به آدرس زیر مراجعه کنید:

Negah E Shom

<http://www.glwiz.com/>



در تدارک مبارزه ای جانانه برای افزایش دستمزد کارگران

علی جوادی

رژیم اسلامی هر سال با تصویب چند درصدی حداقل دستمزد عملاً حکم به فقر و فلاکت بیشتر طبقه کارگر میدهد. اما امسال مبارزه برای افزایش دستمزد میتواند تکرار سناریوی سال گذشته نباشد. بمنظور پیشبرد يك مبارزه موفق و پیروزمند به نکات متعدد پایه ای بار دیگر باید اشاره کرد. این نکات محورهای يك سیاست رادیکال و سوسیالیستی است.

۱- ما در عین حال که برای سرنگونی انقلابی رژیم اسلامی و استقرار يك نظام آزاد، برابر و مرفه و انسانی، يك جمهوری سوسیالیستی، مبارزه میکنیم، در عین حال در هر مبارزه ای برای بهبود شرایط زندگی و موقعیت رفاهی، مدنی و اجتماعی کارگران و توده مردم شرکت میکنیم. تلاش برای سازماندهی و به پیروزی رساندن يك انقلاب کارگری از تلاش روزمره برای اصلاحات و بهبود زندگی کارگر امری جدا نیست. برای ما هر درجه که کارگر از زندگی مادی و آزادیهای سیاسی گسترده تری برخوردار باشد، شرایط برای سازماندهی يك انقلاب کارگری مهیا تر است.

۲- اما در ایران اسلام زده و در شرایط حاکمیت اسلامی پیشبرد این اهداف در عین حال مستلزم مبارزه ای همه جانبه علیه رژیم اسلامی است. باید تاکید کرد که هر درجه سرنوشت مبارزه برای اصلاحات اجتماعی و اقتصادی و مدنی در شرایط کنونی به پیشروی مبارزه برای سرنگونی رژیم اسلامی گره خورده است. از این رو هر مبارزه "اقتصادی" برای رسیدن به اهداف خود ناچار به توسل به يك مبارزه "سیاسی" علیه رژیم حاکم است. به عبارت دیگر هر پیشروی

اقتصادی مستلزم يك پیشروی سیاسی در مقابله با رژیم اسلامی و تغییر توازن قوای سیاسی در جامعه به نفع کارگر و آزادیخواهی است. از طرف دیگر خود رژیم اسلامی هم به هر مبارزه اقتصادی جنبه عمیقاً سیاسی و ضد حکومتی بخشیده است. از این رو گرایشات ملی اسلامی و یا سندیکالیستی که افق و دامنه فعالیت خود را اساساً به عرصه "اقتصادی" محدود میکنند و یا اینکه میکوشند کارگران را در چهارچوب قوانین ارتجاعی نظام اسلامی حاکم محدود و اسیر کنند، نمیتوانند بطور واقعی حتی به همان اهداف اولیه و محدود دست یابند و به اعتباری مانعی در راه پیشروی واقعی مبارزه طبقه کارگر هستند. چرا که هر گونه پیشروی واقعی طبقه کارگر و هر گونه بهبود جدی در زندگی مادی توده های مردم منوط به پس زدن و در اساس منوط به سرنگونی رژیم اسلامی است.

۳- مبنای تعیین حداقل دستمزد چه باید باشد؟ چه کسی باید حداقل دستمزد را تعیین کند؟ خریدار یا فروشنده نیروی کار؟ شرایط مطلوب کارگر برای تعیین حداقل دستمزد کدام است؟ ملزومات تحقق این مطالبات کنونی کدامند؟ در پاسخ باید گفت:

الف: اولین مبنای تعیین دستمزد نگرش عمومی نسبت به این مساله است. يك سؤال ساده: آیا کارگر انسان است یا يك ماشین تولید جاندار؟ سؤال زمختی است. اما پاسخ به آن بیانگر واقعیت زمخت در جامعه سرمایه داری است. کدامیک؟ پاسخ ها مسلماً متفاوتند. در نگاه سرمایه به کار و

کار کند، محصولات جدید تولید کند و سود بیافریند. اما برای طبقه ما تعیین حداقل دستمزد نه بر مبنای نیازهای سود آوری و انباشت سرمایه بلکه بر مبنای تامین معاش و نیازمندیهای يك زندگی انسانی در جامعه قرن بیست و یکم است. ما انسانیم. کارگریم. تولید کننده ثروت جامعه ایم. کارگر همان نیازهایی را دارد که سرمایه دار به مشابه يك موجودیت انسانی دارد. فرزندش، خودش، خانواده اش، نیازمند تفریح و استراحت و مسکن و درمان و فراغت و پوشاک و آذوقه مناسب اند. ما دو استاندارد متفاوت در زندگی انسان ها را در جامعه نمی پذیریم. فرزندان ما شایسته همان زندگی ای هستند که فرزندان سرمایه داران از آن برخوردارند. محیط کار ما باید از همان ایمنی برخوردار باشد که محیط کار کارفرما برخوردار است. ما هم به همان تفریحاتی نیازمندیم که سرمایه دار از آن برخوردار است. چرا ما باید قبول کنیم زمانیکه در مورد حداقل دستمزد صحبت میکنیم باید از پیش پذیرفته باشیم که ما کارگران بخش محروم و فقیر و بی بهره جامعه هستیم؟ چرا؟ چه کسی گفته است؟ چه کسی حکم داده است سهم طبقه ما محرومیت است؟ فقر و فلاکت است. اگر قرار است محرومی باشد چرا سرمایه دار که هیچ نقشی در تولید ثروت جامعه ندارد، نباید بخش محروم جامعه باشد؟ اصلاً چرا محرومی باید وجود داشته باشد؟ ما خواهان جامعه ای هستیم که در آن هیچ انسانی محروم نباشد. در مبارزه برای تعیین دستمزد فعالین کارگری در درجه اول باید این نگرش ضد انسانی سرمایه به کار و

نیازمندی هایش را زیر نقد کوبنده خود قرار دهند. نباید به کم قناعت کرد. نباید به حداقل بسنده کرد. نباید اجازه داد حداقل دستمزد بر مبنای خط فقر و محرومیت کارگر رقم زده شود. ما انسانیم. تولید کنندگان تمامی ثروت جامعه ایم. سهم مان از زندگی را باید بر مبنای نیازمندی هایمان تعیین کنیم. این نگرش در عین حال در تقابل با نگرش سندیکالیستی است که توقع و سهم کارگر از زندگی را بر مبنای پذیرش مناسبات نابرابر و غیر انسانی موجود در جامعه سرمایه داری تعیین میکند.

ب: يك مساله حیاتی دیگر: چه کسی باید در مقام تعیین حداقل دستمزد باشد؟ کارگر یا کارفرما؟ فروشنده نیروی کار یا خریدار نیروی کار؟ نیروی کار در جامعه سرمایه داری يك کالا است. خرید و فروش میشود. معامله میشود. طرح مساله به این صورت وارونه بودن این جوهر معامله نابرابر میان کار و سرمایه را نشان میدهد. اما کدام خریداری در نظام سرمایه داری قیمت کالاهای مورد نیاز خود را تعیین میکند؟ آیا مستاجر اجازه مسکن مورد نیاز خود را تعیین میکند؟ چگونه است که در تمام قلمروهای اقتصادی که قوانین نظام استثمارگراییه کار مزدی بر آنها حاکم است "صاحب" کالا تعیین کننده قیمت "کالای" خود هستند، اما کارگر نمیتواند قیمت کالای خود یعنی نیروی کار خود را تعیین کند؟ این زورگویی و قلدری ذاتی نظام سرمایه داری را نباید پذیرفت. از این رو تنها کسانی که میتوانند و باید حداقل دستمزد را تعیین کنند خود کارگران و یا نمایندگان منتخب کارگران هستند. تنها نمایندگان منتخب کارگران

میتوانند و باید میزان دستمزد را تعیین کنند. هر درجه تلاش جریانات ملی. اسلامی که تلاش میکنند نیروی دیگری را به غیر از خود کارگر حاکم بر مقام تعیین کننده حداقل دستمزد کارگر کنند را باید بمشابه يك تلاش ضد کارگری پس زد.

و این ما را به مساله تشکل و نمایندگان کارگران میرساند. در حال حاضر طبقه کارگر فاقد هر گونه حق قانونی برای تشکیل تشکلات توده ای خود است. سرکوب سیستماتیک تلاشهای کارگر يك رکن پایه ای هویت ضد کارگری نظام اسلامی و سرمایه داری در ایران است. اما علیرغم سرکوب سیستماتیک و چند دهه ای طبقه کارگر، طبقه کارگر توده بی شکل و خام و "بی تشکلی" نیست. اشکال متفاوت تشکل و محافل و کانونها و مجامع عمومی و تشکلات خارج محیط کار موجودند که تاکنون سهم بسزایی در پیشروی مبارزه طبقه کارگر برای يك زندگی بهتر داشته اند.

از طرف دیگر رژیم اسلامی همواره کوشیده است تا تشکلات اسلامی و دست ساز خودش یعنی انجمن های اسلامی، خانه کارگر و شوراهای اسلامی، را به جای تشکلات کارگری به کارگران حقه کند و این ارگانها هم خود را در مقام چنین نقشی قرار میدهند. افشا و طرد این زائده ها و ارگانهای ضد کارگری يك عمل تعیین کننده در پروسه شکل دادن به تشکلات واقعی کارگری است. کارگران میتوانند و باید این خلاء را با تشکیل مجامع عمومی خود و روتین کردن مجامع و شکل دادن به شوراهای کارگری بسرعت جبران کنند. سازمان دادن مجامع

یادداشت‌های هفته

همید تقوایی

دکان پروتق "مبارزه با آلودگی هوا"!

"سوالی که از اهالی دولت یازدهم و مدعیان واردات بنزین های پاك باید پرسید این است که چرا پس از وعده وعیدهای بسیار در زمینه واردات بنزین پاك و بهبود وضعیت آلودگی هوا، در سال جاری خیلی زودتر از آنچه که مردم فکرش را می کردند، هوای کلاتشهرها آلوده شده است؟ این در شرایطی است که میلیاردها دلار هزینه واردات بنزین شده است. از همین رو سوال دیگری که به وجود می آید این است که اگر قرار بود آلودگی هوا از طریق بنزین همچنان ادامه یابد، پس چرا چند میلیارد دلار از بودجه بیت المال به واسطه اقدامات غیرکارشناسی چند ارگان به خارج از کشور رفت و هیچ سود و حاصلی نیز در وضعیت آب و هوای کلاتشهرها نداشت؟"

سایت فردا
جناحهای حکومت دارند دست همدیگر را رو میکنند. این بار بحث بر سر مساله آلودگی هوای تهران و چپاول چند میلیارد دلار از "بودجه بیت المال" به بهانه واردات بنزین پاك است. سایت ایرنا به نقل از روابط عمومی مرکز اورژانس تهران مینویسد تعداد افرادی که در اثر آلودگی هوا به بیماریهای قلبی و تنفسی مبتلا شده و طی یک روز به مرکز اورژانس تهران رجوع کرده اند بالغ بر ۴۰۰ نفر است و این رقم هر روز رو به افزایش است. سایت فردا نیز تحت عنوان "هوای تهران هر روز آلوده تر از دیروز"

می نویسد: "این بار دولت یازدهم به عنوان متهم اصلی آلودگی ها، باید پاسخگوی افکار عمومی باشد. اما عامل آلودگی محیط زیست تنها این یا آن دولت و کابینه نیست، بلکه کل نظام جمهوری اسلامی است.

ما همیشه تاکید کرده ایم که مساله آلودگی هوا و کلا آلودگی محیط زیست در ایران یک مساله سیاسی است که در اقدامات و سیاستهای جمهوری اسلامی ریشه دارد. اکنون با داغ شدن اخبار مربوط به رانتخواری و دزدیهای نجومی مقامات حکومتی و افشای باندیهای حکومتی از دزدیهای یکدیگر، فساد مالی را نیز باید به علل آلودگی محیط زیست در شهرهای ایران افزود. مقامات دولتی و آیت الله های ریز و درشت و آقازاده هایشان از "مبارزه با آلودگی هوا" نیز دکانی برای پرکردن جیبهای گشاد خود ساخته اند. ارقام بودجه در جمهوری اسلامی برای تامین هزینه اقدامات و عمل کردن به سیاستهای ادعائی نیست، بلکه نوعی تقسیم غنائم بین مسئولین و کاربدستان در بخشهای مختلف است.

برای پاکسازی محیط زیست و هوای آلوده در تهران و سراسر ایران باید جامعه را از لوٹ وجود چپاولگران حاکم پاك کرد.*

نارضایتی عمومی از نظم سرمایه!

"از سال ۲۰۰۴ اکثریت قابل ملاحظه ای از مردم آمریکا به موسسه نظر سنجی گالوپ گفته اند که از شیوه حکومت ناراضی اند. آمار مردم بستوه آمده از حکومت به بیش از ۸۰ درصد (بالتر از دوره واترگیت) رسیده است." هفته نامه اکونومیست

این نارضایتی هشتاد درصدی مختص به جامعه آمریکا نیست، در فرانسه و انگلیس و کل کشورهای غربی نیز نارضایتی عمومی در همین سطح است (در فرانسه درجه محبوبیت رئیس جمهور تا مرز ۱۳ درصد سقوط کرده است). این تازه وضعیت کشورهای صنعتی و گل سر سبد دموکراسی

پارلمانی است. در کشورهای آسیائی و آفریقائی نارضایتی توده مردم بمراتب عمیق تر و گسترده تر است. "نود و نه درصدیها در برابر یک درصدیها" که شعار اصلی جنبش اشغال بود، بیش از هر جای دیگر در مورد شورهای نظیر ایران صدق میکنند. در جمهوری اسلامی نارضایتی مردم حق مطلب را ادا نمیکند، باید در مورد درجه نفرت مردم از نظام حاکم آمار گرفت. اگر موسسه گالوپ میتوانست آزادانه در ایران نظر پرسی کند آمار مردم به ستوه آمده و منزجر از نظام حاکم نود و نه درصد جامعه را در بر میگرفت.*

انسانیت سرحد ندارد!

"تفرقه را بس کنید! تبعیض جرم است و انسانیت سرحد ندارد." این شعار تظاهرات اعتراضی مردم افغانستان در برابر سفارت جمهوری اسلامی در کابل است. در روزهای اخیر رسانه های افغانستان از کشته شدن سه مهاجر افغانستانی، یک مادر و دو فرزند خردسال او، در استان اصفهان گزارش داده اند و انتشار این خبر یکی از دلایل تظاهرات در برابر سفارت جمهوری اسلامی در کابل بود.

افغانستانیهای مقیم ایران سخت ترین کارها را انجام میدهند و از کمترین حقوق برخوردارند. اما معضل تنها محرومیت از حقوق شهروندی نیست، بلکه صحبت بر سر بازداشت و اخراج آنان به کوچکترین بهانه ای و حمله و ضرب و شتم و به قتل رساندن خانواده های افغانستانی است که به یک امر روزمره در جمهوری اسلامی تبدیل شده است. به گزارش دیدبان حقوق بشر "حقوق پناهندگان و مهاجرین افغان در ایران به صورت گسترده نقض می شود و آنان در ایران با آزار و اذیت جدی مواجه هستند." این گزارش شامل موارد متعدد و مستندی از اعمال خشونت مامورین جمهوری اسلامی از جمله ضرب و شتم، برخورد غیر انسانی، کار اجباری، و جداسازی اجباری اعضای

خانواده ها از یکدیگر است. در جمهوری اسلامی تبعیض علیه افغانستانیهای مهاجر اساسا امری دولتی است. اخیرا گروهی از مردم ایران در مدیای اجتماعی کارزاری به نام "ما شرمساریم" را آغاز کرده اند که هدف و امر خود را انتقاد از "رفتارهای تبعیض آمیز برخی از شهروندان ایرانی و سیاستهای جمهوری اسلامی در قبال مهاجران افغان" قرار داده است.

اما در جمهوری اسلامی اعمال تبعیض و نابرابری صرفا به خارجی ها محدود نمیشود. جمهوری اسلامی رژیم اعمال انواع تبعیضات علنی و قانونی نه تنها علیه مهاجرین، بلکه علیه بخش عظیمی از جامعه است. ایران کشوری است که در آن تبعیض علیه ۵۰ درصد مردم یعنی زنان و تبعیض علیه شهروندان غیر مسلمان امری رسمی و قانونی است. مردم معترض در برابر سفارت جمهوری اسلامی در کابل با شعار "تبعیض جرم است" نه تنها بیش از یک میلیون افغانستانی مهاجر بلکه درد و خواست اکثریت عظیمی از مردم زاده ایران را نیز نمایندگی کردند. همدردی و همزمی علیه رنجها و محرومیتهای مشترک، خود بهترین گواه این حقیقت است که انسانیت سرحد ندارد!*

به یاد ریحانه!

به گزارش سایت دویچه وله فارسی سه گزارش خبری مربوط به کمپین نجات ریحانه و اعدام او جزو ده گزارش پر بیننده این سایت در سال ۲۰۱۴ بوده است.

این خبر یک بار دیگر ابعاد جهانی کمپین جهانی نجات ریحانه و میزان اعتراض و مخالفت مردم علیه اعدام علی العموم را به نمایش میگذارد. کارزار نجات ریحانه نه تنها در خارج کشور بلکه

در خود ایران نیز ابعاد وسیعی یافت و چهره های زیادی از هنرمندان و نویسندگان و ورزشکاران و حتی خانواده های مقتولین، به جنبش علیه اعدام پیوستند. جانبان حاکم بر ایران عاقبت ریحانه را اعدام کردند اما متهم و محکوم واقعی در دادگاه افکار عمومی جهانی رژیم جمهوری اسلامی بود.*

در تدارک مبارزه ای جانانه برای افزایش دستمزد کارگران

قدرت و توان طبقه کارگر در هر شرایطی است. دستمزد تعیین شده در هر دوره محصول مبارزه و کشمکش است. محصول توازن قوای میان کارگر و کارفرما و قدرت عمل سیاسی و اعتراضی کارگر در جامعه است. اگر تلاش اعتراضی در این وضعیت برای تعیین دستمزد سازمان داده نشود، اگر رهبران عملی کارگران در مراکز عمده کارگری پا پیش نگذارند، اگر سازمان ندهیم، اگر متحد و متشکل نشویم، میزان دستمزد را نیز نمایندگان ارتجاع سه گانه کارفرما و دولت و تشکل های دست ساز دولتی و اسلامی تعیین خواهند کرد. همانطور که تاکنون کرده اند. اما این وضعیت میتواند با تلاش آگاهانه فعالان و رهبران رادیکال و سوسیالیست کارگری تغییر کند. کارگر نیازمند تشکل و اهرم دخالتگری خود در این جدال است. نیروی اصلی این جنبش کارگر شاغل و بیکار است. اتحاد کارگر شاغل و بیکار شرط پیشروی این جنبش است. مجمع عمومی کارگران ظرف سازمانی و پایه ای چنین جنبشی است. از هم اکنون باید دست به کار شد. در خاتمه: فراخوان ما به همه

ح: برخی از اوباش اسلامی و نمایندگان شوراهای اسلامی و با جریانات اصلاح طلب حکومتی خواستار تعیین حداقل دستمزد بر مبنای تعیین خط فقر شده اند. این تلاش دولت "امید و تدبیر" و مدافعان مرتجعش را باید درهم شکست. چه کسی گفته است که حداقل دستمزد کارگران باید بر مبنای خط فقر تعیین شود. چرا نباید بر مبنای حقوق وکلای مجلس تعیین شود؟ چرا نباید بر مبنای حقوق پایه مدیران کارخانجات و واحدهای تولیدی تعیین شود؟ این چهارچوب ضد انسانی از کجا آمده است؟ برعکس باید از آنچه سهم و حق کارگر است آغاز کرد. حداقل دستمزد باید به نیازهای یک زندگی انسانی پاسخ گو باشد نه به آنچه "ممکن" است. نه به آنچه که "خط فقر" است. نه به آنچه که تضمین کننده سود سرمایه است. در تعیین این حداقل دستمزد باید توقعات انسانی از زندگی را مبنا قرار داد نه بی حقوقی و فقر و فلاکتی که سرمایه و دولت آدمکش اسلامی به طبقه کارگر تحمیل کرده است. اما آنچه قابل دریافت و حصول است در اساس محصول

عمومی کارگری، پرداختن به مساله تعیین حداقل دستمزد، انتخاب نمایندگان واقعی کارگران در مجامع عمومی کارگری، یک تلاش جدی و حیاتی در این راستا است. ج: چه رقمی را باید کارگران برای حداقل دستمزد اعلام کنند؟ در پاسخ باید گفت که احتیاج به کار "کارشناسانه" پیچیده ای نیست. رسیدن به رقم مورد نظر بسیار ساده است. کسی که فقط چند هفته در آن کشور زندگی کرده باشد، این رقم را در ذهن دارد. هر روز آن را در ذهن خویش پس و پیش کرده است. از هر کارگری پرسید برای گذران یک زندگی متعارف به چه مبلغی در ماه نیازمندید پاسخ را به سادگی دریافت خواهید کرد. این مساله در زمره مسائل لاینحل ریاضی نیست. در سال گذشته بخشهایی از کارگران رقم دو میلیون و دو میلیون نیم تومان را اعلام کردند. اما امروز در بسیاری از محافل کارگری رقم ۳ میلیون تومان به عنوان مبنای حداقل دستمزد کارگران اعلام شده است. هر چند که این ارقام بعضا مهر زمان و توازن قوای موجود را بر خود دارند.

کارگران رادیکال سوسیالیست و رهبران عملی کارگری این است که دست بکار شوید. مجامع عمومی خود را فرا بخوانید. کارگران را متشکل کنید. مساله تعیین دستمزد، مبانی و شاخص های آن و رقم مورد نظر خود را اعلام کنید. زمان تغییرات بزرگ و اساسی است. این مبارزات را باید بهم گره زد. تغییرات اساسی جامعه در گرو دخالت متشکل و

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی
کمک مالی خود را میتوانید آنلاین از هر جای دنیا با مراجعه به سایت زیر (از طریق paypal) ارسال کنید. لطفا قید کنید که کمک ارسالی شما برای کانال جدید است:
<http://www.countmein-iran.com>

سوئد:

Sweden, Post Giro: 639 60 60-3
account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین میتوانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

آلمان:

583657502 Germany, Rosa Mai, Konto. Nr.:
Bankleitzahl: 37010050, Post Bank
کانادا:

, Scotiabank Canada, ICRC
Dixie Rd, Mississauga, L4W 2R1 4900
Account #: 84392 00269 13

هلند:

Bank: RABOBANK, Darande hesab: FVIVN
Shomare hesab: 15 13 50 248
Adres: EINDHOVEN
IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

آمریکا:

Bank of America
277 G Street, Blaine, Wa 98230
phone # 1-360-332-5711, Masoud Azarnoush
Account number : 99 - 41581083
wire: ABA routing # 026009593
swift code : BOFAUS3N

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس

و از هر کشور دیگر:

England, Account nr. 45477981
sort code: 60-24-23, account holder: WPI
, Bank: NatWest branch: Wood Green
81 4779 IBAN: GB77 NWBK 6024 2345
NWBK GB 2L BIC:

سوالی دارید میتوانید با شماره های زیر تماس بگیرید:

از اروپا: سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

کانادا و آمریکا: فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷



ژورنال روزانه را بخوانید!

ژورنال همه روزه بجز جمعه ها

منتشر می شود

سایت ژورنال: journal-ruzaneh.com

ایمیل ژورنال: journal.ruzaneh@gmail.com

زنده باد اعتراض کارگران معدن طلای آق دره!

کارگران معدن طلای آق دره در اعتراض به اخراج ۳۵۰ نفر از همکارانشان تجمع کردند!

پیوستن مردم شهر به شما کارفرما را ناگزیر خواهد کرد که به خواست حق طلبانه شما تن دهد.

کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ایران ضمن حمایت از اعتراض شما کارگران معدن اعلام میکند که تنها راه بازگشت به کار همه و عقد قرارداد دائم، مبارزه متحدانه و اعتراض پیگیر و بی وقفه کارگران اخراجی و شاغل است. تنها با اعتراض متحد، کارفرما و دولتش را مجبور به عقب نشینی خواهید کرد.

کمیته آذربایجان از شما کارگران معادن همجوار این معدن نیز میخواهد که به هر شکل ممکن به حمایت از مبارزه کارگران معدن آق دره برخیزید و کارگران معترض و اخراجی را در مبارزه شان تنها نگذارید. پیروزی کارگران معدن آق دره، دست کارفرمایان خودتان را برای اخراجهای بعدی خواهد بست. پیروزی این کارگران پیروزی شما هم هست. به اعتراض کارگران معدن آق دره بپیوندید.

زنده باد مبارزه متحدانه کارگران معدن آق دره
کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ایران
۹ دی ماه ۱۳۹۳، برابر با ۳۰ دسامبر ۲۰۱۴

کارگران باید برای پایان دادن به چنین شرایط برده وار، تجمع اعتراضی و متحدانه خود را ادامه دهند. اتحاد کارگران شاغل و اخراجی و حضور خانواده های کارگری صف اعتراض کارگران را قدرتمندتر میکند. باید تجربه کارگران معدن سنگ آهن بافق را سرمشق خود قرار داد که با حضور خانواده ها برای آزادی کارگران بازداشتی مبارزه موفق را پیش بردند.

روشن است که سه کارگر این معدن زیر فشار کار سخت و بی حقوقی و بی اعتنائی دولت و کارفرما به خودکشی اقدام کرده اند اما کارفرمایان و حکومتشان به اندازه کافی به جان و زندگی و سلامتی شما کارگران تعرض کرده اند. باید از هر گونه آزار رساندن به خود دوری کنیم. کارفرمایان و حکومتشان تماما تلاش میکنند شما کارگران را از مبارزه و اعتراض ناامید کنند. از زندگی ناامید کنند. اما صف شما قدرتمند است. صف ۵۵۰ کارگر قدرتمند است. باید همه توان و نیرویمان را علیه این چپاولگران جان و زندگیمان برگردانیم. اعصاب و اعتراض شما با حضور خانواده ها و با

کارگران معدن "طلای آق دره" در نزدیکی شهر تکاب در آذربایجان غربی در مقابل تصمیم کارفرما برای اخراج ۳۵۰ از کارگران با تجمع در مقابل ساختمان نگهبانی معدن دست به اعتراض زدند. در این تجمع کارگران "تعدیل شده" و شاغل در کنار هم شرکت داشتند.

دولت و کارفرما در این معدن وحشیانه ترین و طاقت فرساترین شرایط کار را به کارگران تحمیل کرده اند. کارفرما با بی شرمی تمام شرایط کار کارگران را تا حد کارگر فصلی تنزل داده و این یعنی برده وار ترین وضعیت کار در معدن! در این معدن که پیش از "تعدیل" یعنی همان اخراج ۵۵۰ کارگر داشت، اگرچه شرایط کار طاقت فرسا است اما کارگران بعضا حتی ناگزیر هستند ۱۲۰ ساعت در ماه اضافه کاری کنند.

سه تن از کارگران این معدن به خاطر شرایط سخت کار و بی اعتنائی کارفرما و دولت به وضعیتشان اقدام به خودکشی کرده اند که به علت اقدام بموقع همکارانشان خوشبختانه نجات پیدا کرده اند.

باید در مقابل تهدید کارفرما و دولت علیه کارگران ایستاد!

۱۱ کارگر معدن طلای آق دره به دادگاه احضار شدند!

باید از همان اول در مقابل توطئه کارفرما و دولتشان برای ایجاد تفرقه و هراس در میان کارگران ایستاد. این کار کاملا امکانپذیر است به شرطی که شما کارگران بیکار شده و کارگران شاغل همچنان متحدانه در مقابل این توطئه ها بایستید.

اعتراض شما را مخصوصا دخالت و حضور فعال خانواده های کارگری قدرتمندتر میکند. باید تجربه کارگران معدن سنگ آهن بافق را سرمشق قرار داد که از مقابل نهادهای دولتی تکان نخوردند تا اینکه عزیزانشان را به آغوش خانواده ها بازگرداندند. شما هم از همه خانواده ها و همه اهالی شهر و حومه بخواهید که از اعتراض بحق شما حمایت کنند.

همبستگی کارگران بیکار شده و شاغل، همبستگی خانواده ها و مردم شریف شهر و حومه با خواست حق طلبانه شما کارگران معدن تنها راه عقب راندن کارفرما و دولتشان است.

زنده باد مبارزه بحق کارگران معدن آق دره
کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ایران
۹ دی ۱۳۹۳، ۳۰ دسامبر ۲۰۱۴

از دادگاه و دستگاه قضایی حکومت اسلامی جز این انتظار نمیروید. اینها پاسداران منافع کارفرمایان هستند. اینها آنقدر بیشرم و بیرحم هستند که حتی کارگر بستری در بیمارستان را هم به دادگاه احضار میکنند!

احضار ۱۱ کارگر و آزادی آنها به قید وثیقه نشان میدهد که کارفرمایان و دولتشان از اعتراض قدرتمند شما هراس دارند. در عین حال با تحمیل وثیقه بر گردن بخشی از کارگران میخواهند مانع ادامه اعتراض شما شوند.

۱۱ نفر از شما را به اتهام "اغتشاش" احضار کرده اند اما همانطور که همکار شما علنا اعلام کرده است این اعتراض بحق شما مربوط به همه ۳۵۰ کارگر است. مربوط به همه کارگران دیگر است که الان شاغلند اما هیچگونه تضمینی برای ادامه کارشان ندارند. این اعتراض حتی مربوط به همه کارگرانی است که در دهها معدن و کارخانه های دیگر به طور فصلی و بدون قرارداد دائم کار میکنند و سایه شوم بیکاری همیشه بالای سرشان آویزان است.

۱۱ کارگر معدن طلای آق دره در آذربایجان غربی با شکایت کارفرما و به اتهام اغتشاش از طرف دادگاه عمومی تکاب احضار شده اند!

اسامی این کارگران به قرار زیر است:
یوسف کاووسی، عباس آذر، محمد خسروی، منصور دخ، خلیل عظیمی، فاتح رحیمی، ایوب مولودی، رضا بهاری، رضا یوسفی، عابد رحمانی و عطا اله صبوری. اینها همه از کارگران فصلی بیکار شده این معدن هستند. یکی از احضار شدگان پدر کارگری است که اقدام به خودکشی کرده بود و هنوز هم در بیمارستان بستری است.

یکی از کارگران احضار شده هنگام خروج از دادگاه اعلام کرد: "کارفرمای معدن طلای آق دره در حالی یازده نفر از کارگران را به اتهام ایجاد اغتشاش به دادگاه معرفی کرده است که تمامی ۳۵۰ کارگر فصلی این معدن به موضوع بیکاری خود معترضاند."

همه این کارگران که صبح امروز احضار شده بودند بعد از ظهر با قید وثیقه آزاد شده اند! کارگران و مردم شریف شهرستان تکاب،

اطلاعیه شماره ۲: کارزار "بهنام را آزاد کنید"

سازمان عفو بین الملل سوئد خواستار آزادی فوری بهنام ابراهیم زاده شد

طبق اخبار رسیده به ما مطلع گشتیم که وضع سلامتی آقای بهنام ابراهیم زاده بسیار وخیم است؛ ایشان از تاریخ ۳ دسامبر ۲۰۱۴ در اعتصاب غذا به سر میبرند.

بنا به اخبار رسیده آقای ابراهیم زاده در زندان منتقل شده اند و اکنون به بندی فرستاده شده اند که متهمین به قتل و قاچاق مواد مخدر نگهداری میشوند؛ شرایط این بند به شدت نا مطلوب هستند و جان ایشان در خطر است. ایشان در اعتراض به شرایط زندان دست به اعتصاب غذا زده اند.

بنا بر اخبار رسیده اوضاع سلامتی ایشان به خاطر شکنجه هایی که متحمل شده بودند فی الواقع بسیار وخیم بود. ایشان دچار نارسایی کلیوی هستند اما با این حال از خدمات درمانی محروم گردیده اند. به علاوه فرزند ایشان از بیماری سرطان رنج میبرند.

عفو بین الملل بهنام ابراهیم را یک زندانی سیاسی محسوب میکند. ایشان یک مدافع حقوق بشر هستند که تنها به خاطر فعالیت مدنی در عرصه حقوق گارگران و حقوق کودکان دستگیر شده اند.

بهنام اکنون چهار سال از پنج سال محکومیت خویش را سپری کرده و قرار است در ماه مارس ۲۰۱۵ آزاد شود.

من خواهان آزادی بلافاصله ایشان بر مبنای ملاحظات انساندوستانه هستم تا بتواند در کنار فرزند خود باشد و همچنین به معالجه پزشکی دسترسی داشته باشد.

الیزابت لوفگر

عفو بین الملل، بخش سوئد

انتظار پاسخ سریع شما را داریم.

عفو بین الملل شعبه سوئد

کپی این نامه برای خامنه ای، صادق لاریجانی رئیس مجلس اسلامی، علی لاریجانی رئیس قوه قضاییه جمهوری اسلامی ارسال شده است. (ترجمه: سیاوش آذری، کمپین برای آزادی کارگران زندانی)

وحدت، خام الیزابت با توضیح اینکه معمولاً عفو بین الملل در پرونده های خصوصی دخالت نمیکند، بر اهمیت پرونده بهنام ابراهیم زاده و حمایت از او تاکید گذاشت. نتیجه این نشست تهیه نامه ای در حمایت از بهنام و حکومت رژیم اسلامی در قبال رفتارشان با کارگران زندانی، زندانیان سیاسی و وضع اسفبار زندانها خطاب به مقامات مسئول جمهوری اسلامی، خامنه ای، روحانی رئیس جمهور، مجلس اسلامی و لاریجانی رئیس قوه قضاییه جمهوری اسلامی بود. که همانجا این نامه توسط پست و اینترنتی برای آنها ارسال گردید.

کمپین "بهنام را آزاد کنید" از سوی سه نهاد کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی، کمپین برای آزادی کارگران زندانی، کودکان مقدمند در ۶ دی برابر با ۲۷ دسامبر اعلام شده است. کمپین برای آزادی بهنام ابراهیم زاده ادامه دارد. نامه بهنام ابراهیم زاده در مورد وضعیت خودش و وضعیت زندانیان در زندان رجایی شهر به زبانهای مختلف ترجمه و برای نهادهای کارگری و انساندوست در سراسر جهان ارسال شده است. به هر شکلی که میتوانید با کمپین "بهنام را آزاد کنید" همکاری کنید.

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی
کمپین برای آزادی کارگران زندانی
نهاد کودکان مقدمند
<http://zendanisiasi.wordpress.com>
<http://free-them-now.com>
<http://childrenfirstnow.com>

ضمیمه: ترجمه فارسی نامه حمایت سازمان عفو بین الملل (امنستی) سوئد از بهنام ابراهیم زاده

استکهلم، ۲۹ دسامبر ۲۰۱۴

به :حسن روحانی ریاست جمهوری اسلامی ایران

بدنبال نشست افسانه وحدت سخنگوی نهاد کودکان مقدمند، با مستولین سازمان عفو بین الملل (امنستی) در سوئد، این سازمان طی نامه ای ضمن اشاره به وضعیت وخیم بهنام ابراهیم زاده، خواستار آزادی فوری و قرار گرفتن او تحت درمان و معالجه شده است. در بخشی از این نامه آمده است: "عفو بین الملل بهنام ابراهیم را یک زندانی سیاسی محسوب میکند. ایشان یک مدافع حقوق بشر هستند که تنها به خاطر فعالیت مدنی در عرصه حقوق گارگران و حقوق کودکان دستگیر شده اند."

روز ۸ دی، برابر با ۲۹ دسامبر افسانه وحدت از طرف کمپین "بهنام را آزاد کنید" با الیزابت لوفگر سخنگوی سازمان عفو بین الملل "امنستی" در سوئد و برتیل اتوسون مسئول اتحادیه های کارگری این سازمان در شهر استکهلم دیدار داشت. بدلیل وضعیت نگران کننده بهنام ابراهیم زاده، این دیدار به طور اضطراری انجام گرفت. در این نشست افسانه وحدت در مورد وضعیت کارگران زندانی و فعالین حقوق انسانی در زندانهای حکومت اسلامی و بطور ویژه در مورد وضعیت بهنام ابراهیم زاده توضیحاتی داد. از جمله او در مورد وضعیت غیر انسانی در زندانها و بدتر شدن هر روزه آن، وضعیت بد غذایی و بهداشت زندانها و محرومیت زندانیان از درمان بعنوان بخشی از شکنجه و آزار زندانیان توضیحاتی داد. افسانه وحدت بویژه در مورد بهنام ابراهیم زاده، اعتصاب غذای وی بخاطر انتقالش به بند زندانیانی که قتل کرده اند و اذیت و آزارش در زندان و وضعیت وخیم جسمانی اش بدنبال شکنجه های درون زندان و بعد از اعتصاب غذایی که داشته است، صحبت کرد و بر اهمیت حمایتی جهانی از این فعال کارگری زندانی تاکید گذاشت. در عکس العمل به سخنان افسانه



انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر این شماره: بهروز مهرآبادی

مسئول فنی: نازیلا صادقی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود